



• درآمد

## شهید حکیم به قله اخلاق، پرهیزگاری و تواضع شهرت داشت...

■ گفت و گو با سیدمحمدباقر مهری  
یکی از روحانیون کویت

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدباقر مهری از روحانیون نامدار کویتی است که مدت‌های بسیاری همکلاس شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم بوده است. او در گفت و گو با شاهد باران به مراحل شکل‌گیری مبارزات جنبش‌های اسلامی عراق در قالب مجلس‌اعلی انقلاب اسلامی عراق اشاره و تأثیری که شهید محراب از آشنایی و روابط عمیق خود با شهید صدر گرفته بود را واکاوی و نقش شهید سیدمحمدباقر حکیم را در طراحی تئوری‌های نوین مبارزاتی تحت زعامت مرجعیت دینی تشریح می‌کند

را از راه مبارزه خستگی‌ناپذیر باز نمی‌داشت. با وجودی که آقای حکیم را از قبل می‌شناختم اما، آن دو شبی که مهمان او بودم، اطمینان یافتیم که او مردی پرهیزکار و با ایمان است. پس از بازگشت به حوزه علمیه قم با برادران عراقی دیدار کردم، و به آنان گفتم که آقای حکیم شایسته‌ترین و با کفایت‌ترین روحانی‌ای است که می‌تواند مبارزات مردم عراق را رهبری کند.

پس از میهمانی دو روزه که در خدمت آقای حکیم بودم دوستی ما صمیمانه‌تر و مستحکم‌تر شد. هرگاه به ایران می‌آمدم، با او دیدار می‌کردم، هرگاه او نیز به کویت می‌آمد، از او پذیرایی و او را همراهی می‌کردم. در برخی سفرهای خارجی نیز او را همراهی می‌کردم.

**روابط آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر حکیم با آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر صدر چگونه بود؟**

با وجودی که شهید آیت‌الله حکیم شاگرد امام سیدمحمدباقر صدر بود اما، روابط میان آن دو بسیار صمیمانه و دوستانه بود. هنگامی که شهید صدر سرگرم تألیف کتاب «اقتصاد ما» بود، آقای حکیم به او کمک می‌کرد. همه اندیشمندان معاصر، آگاهند که شهید صدر، آیت‌الله حکیم را «بازوی فداکار من» توصیف کرد و او را «علامه جلیل‌القدر» می‌نامید. اینکه در آن سال‌ها که آقای حکیم هنوز در سنین جوانی به‌سر می‌برد، و شهید آیت‌الله صدر این گونه او را می‌نامید، نشاندهنده آن است، که مرجعیت تقلید شیعه در آن مرحله، نبوغ فکری آقای حکیم را پیش‌بینی می‌کرد.

همه این اوصاف و تعابیر نشان می‌دهد که شهید صدر تا چه اندازه به پرورش فکری و استعدادهای علمی آیت‌الله حکیم توجه داشته‌است. شهید صدر علاوه بر کفایت‌های اصولی، دروس سطوح و بحث‌های خارج فقه را نیز به سیدمحمدباقر حکیم آموخت.

افزون بر آنچه از نظر تان گذشت شهید صدر گاهی اوقات آقای حکیم را به عنوان نماینده خود به ماموریت‌های خارج از کشور اعزام می‌کرد. به طور مثال دولت لیبی در یکی از سال‌های دهه هفتم از قرن بیستم میلادی از شهید صدر برای شرکت در کنفرانس علمی که عنوان «خاتم پیامبران» را داشت دعوت به عمل آورد اما، شهید صدر، آقای حکیم را به نمایندگی از طرف خود برای شرکت در این کنفرانس معرفی کرد.

از سوی دیگر شهید صدر در عاشورای سال ۱۹۷۷ میلادی

کنم: پس از آمدن آقای حکیم به ایران و عهده‌دار شدن رهبری مبارزه، برخی گروه‌های مبارز شایع کردند، آقای حکیم به فکر منافع سایر گروه‌های مبارز و سایر روحانیون عراقی نیست و فقط به منافع خود می‌اندیشد. به آنها گفتم که من شخصاً سیدمحمدباقر حکیم را می‌شناسم. با او روابط دوستانه دارم. آماده‌ام به منزل آقای حکیم در تهران بروم، (آن روز منزل آیت‌الله حکیم در خیابان فردوسی تهران قرار داشت) و اعتراضات شما را به سمع ایشان برسانم. آنگاه به منزل آقای حکیم رفتم و تصمیم گرفتم یکی دو شبی را در منزل ایشان بمانم تا بیشتر با اخلاق و رفتار او آشنا شوم.

به هر حال دو شبی را آنجا ماندم. روزها ملازم او در دفتر کارش بودم، شبها نیز تا دیر وقت با یکدیگر بحث و تبادل نظر می‌کردیم. در این زمینه لازم می‌دانم به این نکته نیز اشاره کنم، که او شب‌ها تا پاسی از نیمه شب بیدار می‌ماند

**با وجود اینکه صحنه سیاسی عراق،  
حالت بیمارگونه داشت، و میان گروه‌های  
مبارز عراقی رقابت ناسالم وجود داشت،  
آقای حکیم را مردی فروتن و بردبار  
یافتیم. او شخصاً از من پذیرایی می‌کرد.  
از غیبت و عیب‌جویی دیگران به شدت  
پرهیز می‌کرد.**

و مطالعه می‌کرد، و مسائل جهان اسلام و اوضاع عراق را پیگیری می‌کرد.

دو شبی که مهمان او بودم، او را نماد اخلاق و تدین و مهربانی یافتیم، با وجود اینکه صحنه سیاسی عراق، حالت بیمارگونه داشت، و میان گروه‌های مبارز عراقی رقابت ناسالم وجود داشت، آقای حکیم را مردی فروتن و بردبار یافتیم. او شخصاً از من پذیرایی می‌کرد. از غیبت و عیب‌جویی دیگران به شدت پرهیز می‌کرد. به کسانی که از او انتقاد می‌کردند، پاسخ نمی‌داد. هیچ سخن و کرداری او

اولین بار چگونه و در چه زمانی با شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم آشنا شدید؟

سخن گفتن درباره شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم، در واقع سخن گفتن از علم، دانش و اخلاق و فضیلت اسلامی و به عبارت دیگر سخن گفتن از ارزش‌های اصیل اسلامی است. اولین بار در حوزه علمیه نجف‌اشرف با سیدمحمدباقر حکیم آشنا شدم. او یکی از چهره‌های سرشناس علم و دانش حوزه علمیه و یکی از فرزندان مرجع تقلید عالیقدر جهان تشیع آیت‌الله سیدمحمسن حکیم بود. سیدمحمدباقر حکیم علاوه بر داشتن چهره علمی و دینی، در آن مرحله یکی از فعالان جهادگر صحنه سیاسی عراق بود، من درس جلد دوم کفایه الاصول را در کلاس او فرا گرفتم. آقای شیخ حسین عبدالله الخیامی که اکنون یکی از علمای بزرگ لبنان است. همکلاسی من بوده‌است، کلاس درس کفایه الاصول در مسجد الهندی نجف‌اشرف تشکیل می‌شده است. پس از ارتحال آیت‌الله‌العظمی سیدمحمسن حکیم، باقی‌مانده درس کفایه را در منزل آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر به پایان رساندیم.

سید محمدباقر حکیم و بنده از شاگردان آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر بودیم، و بر این اساس با یکدیگر روابط دوستانه داشتیم، شهید حکیم یکی از مریدان و دوستان صمیمی شهید صدر بود، و روزانه در کلاس درس او در مسجد علامه طوسی و یا در مسجد الجواهری شرکت می‌کرد. بر این اساس روابط دوستانه‌ام با آیت‌الله حکیم ادامه داشت، تا اینکه او به علت شرایط خفقان‌آور عراق، در سال ۱۹۸۰ به سوریه مهاجرت کرد.

در آن برهه من به ایران بازگشته‌بودم، و برخی از علمای مجاهد عراقی نیز به ایران مهاجرت کرده و مبارزه‌شان بر ضد رژیم حزب بعث را به تازگی آغاز کرده‌بودند. آنها از کمبود امکانات و نبود رهبری رنج می‌بردند. به خاطر اینکه از آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم شناخت کافی داشتند، او را به تهران فراخواندند تا رهبری مبارزات مجاهدان عراقی بر ضد رژیم صدام را بر عهده بگیرد. چون ایشان تنها شخصیتی بود که می‌توانست خلأ موجود در حوزه مبارزه مردم عراق را پر کند.

پس از آمدن آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم به ایران اوضاع مجاهدان عراقی تا حدودی سر و سامان گرفت. در این زمینه خاطره‌ای به یاد دارم که دوست دارم آن را بازگو

تحقق اهداف مقدس‌شان، ایثار و فداکاری نمایند، آقای حکیم علاوه بر اینکه انسانی آرمان‌خواه و جهادگر بود، تلاش برای سرنگونی رژیم صدام را در اولویت اهداف خود قرار داده بود.

۳- محور قرار دادن مرجعیت دینی. من به‌طور مستقیم از زبان آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم شنیدم که مرجعیت دینی پر و بال و بازوان قوی دارد، جنبش‌ها و سازمان‌های اسلامی، بازوان مرجعیت دینی هستند، احزاب و سازمان‌های اسلامی وظیفه دارند از مرجعیت دینی اطاعت کنند. شهید حکیم بر این باور بود که مرجعیت دینی درون امت ریشه دوانده است، نمایندگان مراجع دین که در کشورها و شهرهای گوناگون حضور دارند، حلقه ارتباطی مرجعیت دینی و مردم را تشکیل می‌دهند، من از زبان شهید عالیقدر آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر شنیدم که یکی از دلایل پیروزی انقلاب اسلامی در ایران حضور نمایندگان امام خمینی (ره) در شهرها و روستاها است. این نمایندگان دستورات و رهنمودهای مرجعیت دینی را به مردم منتقل می‌کنند. امام سیدباقر صدر از نبود روحانیون در بیشتر شهرهای عراق رنج می‌برد. به همین دلیل تعداد قابل توجهی از علما و روحانیون را به سایر شهرها و روستاهای عراق گسیل داشت. بنابراین، مرجعیت دینی توسط نمایندگان خود، مردم را به مبارزه و جهاد تشویق می‌کند و مفاهیم و آگاهی‌های اسلامی را میان مردم گسترش می‌دهد، شهید صدر در این زمینه طرح جامع و مدون ارائه کرد که «طرح مرجعیت نیک روش» نام دارد. در یکی از بندهای این طرح آمده است که مرجعیت دینی به نمایندگی از سوی امام زمان (عج) رهبری جامعه را بر عهده دارد، به نمایندگان خود در سایر شهرها و بلاد اسلامی اختیارات تام داده، تا مردم را رهنمون سازند. همان‌گونه که امامان ادامه‌دهنده راه پیامبران هستند، مراجع دین نیز باید ادامه‌دهنده راه امامان باشند، در همین حال نمایندگان مراجع دینی باید بر عملکرد کارگزاران و فعالان اسلامی نظارت نمایند.

بنابراین می‌توان گفت که مراجع دین رهبری امت و نمایندگان مراجع، وظیفه نظارت بر جامعه را بر عهده دارند. هنگامی که شهید آیت‌الله حکیم نمایندگی شهید صدر را بر عهده داشت، می‌کوشید اوضاع و روابط جنبش‌ها و احزاب اسلامی را سامان دهد و اختلافات آنها را برطرف کند. او اصرار داشت «طرح مرجعیت نیک روش» را در جامعه پیاده کند، اصرار داشت خط مرجعیت دینی را ترویج دهد و بر این باور بود که مراجع دینی میسر کارگزاران بزرگ و کوچک تفاوت قائل نیستند، بی‌تردید اسلام، نخبگان را به رسمیت نمی‌شناسند، مگر اینکه از نظر دانی و پرهیزکاری با دیگر اشرار جامعه تفاوت داشته باشند، مرجعیت دینی، نخبگان گروه‌گرا را به رسمیت نمی‌شناسد. شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم در راه تحکیم جایگاه مرجعیت دینی درد و رنج‌های فراوانی متحمل شد، تا اینکه خداوند متعال او را فراخواند. او را با شهادت فراخواند، بنابراین، روش جهادی آیت‌الله حکیم روش علمایی بود و از مرجعیت دینی پیروی می‌کرد.

**گفته شده که هدف از تأسیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در برگیری همه گروه‌های مبارز عراقی بود. به چه علت برخی احزاب و گروه‌های سیاسی عراق هنگام تأسیس مجلس اعلا به آن نپیوستند؟**

در حقیقت اوضاع گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی عراق هنگام تأسیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق بسیار پیچیده بود. آقای حکیم پیش از شکل‌گیری مجلس اعلا «جماعت علمای مجاهد عراقی» را تأسیس کرد، و دبیر کلی آن را بر عهده گرفت. اما، تلاش برای دربرگیری و گردآوری همه احزاب و گروه‌های سیاسی عراق به ویژه گروه‌هایی که در تبعید به‌سر می‌بردند، کاری دشوار و ناممکن بود، شهید حکیم پس از تأسیس مجلس اعلا،

### در حقیقت سیدمحمدباقر حکیم بر اساس تئوری نوین و افکار جامعه حرکت می‌کرد. به پیروی از مرجعیت دینی راه جهادی خود را ادامه می‌داد، ساده‌ترین و موفقیت‌آمیزترین و ثمربخش‌ترین حرکت را در پیروی از خط مراجع دین می‌دانست.

شکی نیست که شهید سیدمحمدباقر حکیم برای همه مراجع دین احترام قائل بود. برای مرجعیت پدرش آیت‌الله سیدمحسن حکیم و مرجعیت استادش آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر صدر، همچنین برای مرجعیت آیت‌الله العظمی امام خمینی (ره) احترام خاص قائل بود. همان‌گونه که می‌دانید به مرجعیت امام خمینی (ره) ایمان کامل داشت و او را مجاهدی نمونه می‌دانست. هرگاه به حوزه علمیه قم می‌رفت با آیت‌الله شیخ جواد تبریزی دیدار و گفت‌وگو می‌کرد. با آیت‌الله العظمی سیدعلی سیستانی روابط گسترده داشت، آیت‌الله سیستانی نیز آیت‌الله حکیم را دوست داشت. شهید حکیم برای مرجعیت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای نیز احترام خاص قائل بود و همواره با ایشان ملاقات می‌کرد. اصول و مبانی فکری و سیاسی شهید محمدباقر حکیم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در حقیقت سیدمحمدباقر حکیم بر اساس تئوری نوین و افکار جامعه حرکت می‌کرد. به پیروی از مرجعیت دینی راه جهادی خود را ادامه می‌داد، ساده‌ترین و موفقیت‌آمیزترین و ثمربخش‌ترین حرکت را در پیروی از خط مراجع دین می‌دانست. شهید سیدمحمدباقر حکیم خط مشی حرکت خود را در موارد ذیل مشخص کرده بود:

۱- حرکت سازمانی و منظم در چارچوب مرجعیت دینی، چرا که مرجعیت دینی میان اقشار و افراد جامعه تفاوت قائل نیست، مرجعیت دینی همه اقشار و گروه‌ها و مذاهب را در بر می‌گیرد، آقای حکیم در بسیاری از کتاب‌ها و نوشته‌های خود گفته است که مرجعیت دینی توانایی و شایستگی خود را برای در برگیری همه تلاش‌گران اسلامی و رهنمون‌سازی آنها به سوی جهاد و پیکار به اثبات رسانده است.

به‌طور مثال روحانیون و مراجع دینی در عراق در جریان انقلاب سال ۱۹۲۰ میلادی در برابر اشغالگران انگلیسی ایستادند، و موفق شدند پیشروی آنها را برای چند سال به تأخیر بیندازند. افزون بر آن تجربه انقلاب اسلامی ایران به رهبری مرجعیت دینی را نیز الگو و سرمشق می‌دانست. شهید سیدمحمدباقر حکیم بر این باور بود که بیشتر انقلاب‌های جهان اسلام به رهبری مراجع به پیروزی رسیده است.

۲- کارگزاران صحنه مبارزه در عراق باید قله اخلاق اسلامی باشند، رفتارشان باید الگو و سرمشق دیگران باشد. اندیشه و عقاید دیگران را بپذیرند، کارگزاران و گروه‌های مبارز باید با یکدیگر متحد و منسجم و هم‌دل باشند، برای

آقای حکیم را به نمایندگی خود برای هماهنگی با مسئولان هیئت‌های عزاداری که با پای پیاده به کربلا می‌رفتند معرفی کرد. هیئت‌های عزاداری در آن سال شعارهای سیاسی بر ضد رژیم حزب بعث سر می‌دادند. بنابراین، می‌توان گفت که آیت‌الله حکیم پس از شهادت آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر، راه او را دنبال کرد.

**روابط آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم با آیت‌الله سیدمحمد صدر که «صدر دوم» شهرت داشت چگونه بود؟**

شهید سیدمحمدصدر نیز از شاگردان شهید سیدمحمدباقر صدر بود و در عین حال با شهید سیدمحمدباقر حکیم نیز روابط صمیمانه داشت. هر دو در کلاس‌های بحث خارج فقه شهید صدر شرکت کردند، ده سال پیش شخصی به نام سیداحمد موسوی که در کشور اردن زندگی می‌کرد، به من گفت که آیت‌الله سیدکاظم حائری او را می‌شناسد. از سیدکاظم حائری پرسیدم که آیا چنین شخصی را می‌شناسید؟ او پاسخ مثبت داد، و تأکید کرد که موسوی از نظر او مورد اعتماد است. زمانی که ارتباط تلفنی میان عراق و کویت قطع شده بود، آقای موسوی از طریق اردن میان عراق و کویت خطوط تماس برقرار می‌کرد. شهید سیدمحمد صدر از این طریق چند بار با من تماس گرفت.

آخرین تماس او در روز ۲۳ ماه مبارک رمضان بود، که چند ماه بعد به شهادت رسید. در این تماس تلفنی به شهید سیدمحمد صدر گفتم که آقای سیدمحمدباقر حکیم در کویت به‌سر می‌برد، و اگر پیامی برای او دارید، بفرمایید تا به آگاهی او برسانم. در آن تاریخ خبر ترور نافرمام آیت‌الله شیخ بشیر الجزیری مطرح شده بود، و از سیدمحمد صدر پرسیدم که آیا قصد ندارد از عراق خارج شود تا مورد سوء قصد قرار نگیرد؟ شهید سیدمحمد صدر از من خواست به سیدمحمدباقر حکیم بگویم که سیدمحمد صدر از او



التماس دعا دارد و شفاعت او را آرزو دارد. من شبانگاه همان روز با آقای سیدمحمدباقر حکیم در کویت دیدار داشتم و پیام سیدمحمد صدر را به آگاهی او رساندم. سپس از آقای حکیم پرسیدم منظور آقای صدر چیست؟ ایشان گفت که منظور آقای سیدمحمد صدر را می‌داند. اما، حاضر نیست آن را فاش کند. این نشان می‌دهد که روابط میان شهید آیت‌الله سیدمحمد صدر و آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم خوب و دوستانه بوده است. اکنون برخی افراد نادان و غرض‌ورزان می‌کوشند، در این روابط شک و تردید القا کنند، بسیاری از علما و روحانیون در آن مرحله می‌کوشیدند با آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم روابط دوستانه داشته باشند. چرا که او فرزند آیت‌الله العظمی سیدمحسن حکیم مرجع تقلید شیعیان جهان بوده است.

**روابط شهید سیدمحمدباقر حکیم با سایر مراجع تقلید معاصر خود چگونه بود؟**



به او عشق می‌ورزند، و او را مجاهدی بزرگ می‌نامند. دیدارها و سفرهای آقای حکیم به کویت به قدری مفید و سازنده بود که صدام را به واکنش وامی‌داشت، اکنون دولت و مردم کویت از جان و دل از مردم عراق و نظام کنونی این کشور پشتیبانی می‌کنند. همه اینها از برکات تلاش‌های شهید سیدمحمدباقر حکیم است.

### تلاش‌ها و مبارزات شهید آیت‌الله حکیم چه نقشی در سرنگونی رژیم صدام داشته‌است؟

شکی نیست که تلاش‌ها و مبارزات خستگی‌ناپذیر آیت‌الله حکیم نقشی به‌سزا در آماده‌سازی مردم عراق برای قیام همگانی و سرنگونی رژیم صدام داشته‌است. پس از توقف جنگ میان ایران و عراق، مبارزات احزاب و گروه‌های عراقی دچار رکود شد، احزاب و سازمان‌های عراقی دچار یاس و سرافکنندگی شده بودند، من خیلی از افراد عراقی را می‌شناسم که پس از توقف جنگ تحمیلی به فعالیت‌های تجاری روی آوردند، برخی دیگر خانه‌نشینی را انتخاب کردند، چرا که آنها احساس یاس و سرافکنندگی کردند، تنها کسی که در صحنه ماند و مبارزه بر ضد رژیم حزب بعث را ادامه داد، آقای سیدمحمدباقر حکیم بود.

روزی که با او ملاقات داشتم از او پرسیدم که مخالفان عراقی دچار چه سرنوشتی شده‌اند؟ چرا میدان را خالی کرده‌اند؟ آن روزها هر خبری را که از رسانه‌های گروهی می‌شنیدیم، همه از آقای سیدمحمدباقر حکیم یاد می‌کردند. دیگران کجا رفته‌اند؟ آقای حکیم در پیجیده‌ترین شرایط به راه جهاد ادامه می‌داد، او همچون استاد شهید خود سیدمحمدباقر صدر جهاد را تنها راه سرنگونی رژیم حزب بعث می‌دانست. زیرا، شهید صدر در بسیاری از سخنرانی‌هایش جهاد را واجب می‌دانست. عملیات مسلحانه را تنها راه‌هایی می‌دانست، این مجاهدت‌ها و مبارزه‌های خستگی‌ناپذیر تأثیر بسزایی در سرنگونی صدام داشت. ماهیت رژیم صدام خون‌آشام بود. البته گسترش آگاهی‌های مردمی و افزایش دامنه عملیات مسلحانه و نیز دخالت‌های بین‌المللی دست به دست هم داد و رژیم حزب بعث را سرنگون کرد.

### چه خاطره‌ای از شهید محراب آیت‌الله حکیم دارید؟

من خاطرات زیادی از آقای حکیم دارم. ما با یکدیگر دوست صمیمی بودیم. روزی در قم از آقای حکیم پرسیدند، آیا آقای مه‌ری را دوست دارید؟ او در جواب گفت: من به آقای مه‌ری عشق می‌ورزم. آقای حکیم از عاشقان و علاقه‌مندان اهل بیت (ع) بود. به امام حسین (ع) عشق می‌ورزید. به نیایش و راز و نیاز و نمازهای شبانه علاقه‌مند بود. به ویژه در ماه‌های مبارک رمضان. هرگاه در ماه‌های رمضان به کویت می‌آمد، ده روز نیت اقامت می‌کرد تا روزه بگیرد. یکی از ماموران امنیتی کویت که از او محافظت می‌کرد، از من پرسید: این چه طور آدمی است؟ از او پرسیدم: چه شده؟ او گفت: این سیدنه خوراک دارد و نه خواب؛ محافظان از دست او خسته شده بودند، شب‌ها به مساجد و حسینیه‌های گوناگون می‌رفت، و دعاهای شب‌های ماه رمضان را بجای می‌آورد. هنگامی که خبر شهادت او را شنیدیم، از تحقق آرمان مردم عراق احساس ناامیدی کردم، آرزو داشتم آرمان مردم عراق در سایه وجود آقای حکیم تحقق یابد، من برای او بسیار متأثر شدم و به خاطر فقدان ایشان بیش از آنچه برای فرزندم که به تازگی فوت کرده بود گریه کردم. پس از شنیدن خبر شهادت او به خود گفتم که شهادت آیت‌الله حکیم در محراب عبادت و در کنار بارگاه حضرت امیرالمؤمنین (ع) تعجب‌آور نیست، او همواره آرزوی شهادت می‌کرد. تعجب‌آور این است که آقای حکیم در رختخواب با مرگ طبیعی بمیرد، برای این مرد مجاهد شایسته نبود در رختخواب بمیرد. این اراده خداوند بود که آقای حکیم در محراب عبادت به شهادت برسد، او در حالی شهید شد که روزه‌دار بود. ■



ماست که خداوند آن را بر ما ارزانی داشته‌است؟

من بر این باور بودم که مردم عراق و مسلمانان منطقه شخصیت شهید سیدمحمدباقر حکیم را نشناخته بودند، مگر پس از شهادت او را شناختند. با شهادت آیت‌الله حکیم ملت‌های عرب و مسلمانان مرد شجاع و نستوهی را از دست دادند. شهادت او خسارت جبران‌ناپذیری بر حوزه‌های علمیه وارد آورد و مردم عراق رهبر فرزانه‌ای را از دست دادند.

### شهید حکیم به مردم و کشور کویت توجه خاص و همواره از این کشور دیدن می‌کرد، دلایل این دیدارها چه بود؟

دولت کویت همه ساله از آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم برای بازدید از آن کشور، و گفت‌وگو با مسئولان بلند پایه و مردم درباره مسائل سیاسی دعوت به عمل آورد و او در ماه‌های مبارک رمضان به کویت می‌آمد و با مسئولان این کشور بحث و تبادل نظر به عمل می‌آورد. در پی حمله صدام به کویت ماه اوت ۱۹۹۰ میلادی مردم کویت نسبت به مردم عراق بسیار بدبین شدند، هرچند که مردم عراق نقشی در

**تلاش‌ها و مبارزات خستگی‌ناپذیر آیت‌الله حکیم نقشی به‌سزا در آماده‌سازی مردم عراق برای قیام همگانی و سرنگونی رژیم صدام داشته‌است. پس از توقف جنگ میان ایران و عراق، مبارزات احزاب و گروه‌های عراقی دچار رکود شد، احزاب و سازمان‌های عراقی دچار یاس و سرافکنندگی شده بودند.**

این حمله نداشتند، اما، به هر حال این حمله تأثیر روانی منفی بر کویت بر جای گذاشت. آقای حکیم در جریان سفر به کویت می‌کوشید این بدبینی را برطرف نماید، از مردم عراق دفاع می‌کرد، و توانست روابط ملت‌های کویت و عراق را بهبود بخشد. رهبری سیاسی کویت تا کنون برای شهید آیت‌الله حکیم احترام خاصی قائل بوده است. مسئولان کویت بارها گفته‌اند که آقای حکیم روابط دولت عراق و کویت را پیوند زده‌است، آقای حکیم هرگاه به کویت می‌آمد، در محافل و مجالس این کشور سخنرانی‌های علمی و فرهنگی ایراد می‌کرد. شخصیت‌های شیعه و سنی در مجالس او شرکت می‌کردند. بر این اساس مردم کویت

کوشید نمایندگان همه احزاب، گروه‌ها و سازمان‌ها و ائتلاف عراقی را در مجلس اعلاای انقلاب اسلامی عراق شرکت دهد. او مردی توانمند و شایسته بود. دشمنان نیز به این ویژگی او اعتراف کرده‌اند. سران برخی گروه‌ها و احزاب نیز که در دوران مبارزه با آقای حکیم همکاری نکردند، اکنون پشیمانند، او بیش از همه احزاب و گروه‌های عراقی برای مردم عراق زحمت کشید. خاندان آیت‌الله حکیم در راه رهایی مردم عراق بیش از سایر سازمان‌ها و احزاب سیاسی قربانی دادند. به رغم همه نافرمانی‌ها و کارشکنی‌ها، شهید حکیم سرانجام توانست احزاب و گروه‌های مبارز زیادی را وارد مجلس اعلاا کرده و آنها را با مبارزات مجلس اعلاا هماهنگ و همراه کند. اما، برخی از گروه‌های سیاسی وابسته به جریان‌های بیگانه با عملکرد مجلس اعلاا مخالفت کرده و راه مستقلى را در پیش گرفتند.

روزی در دیدار با شهید حکیم به او گفتم که شما به مجلس اعلاا نیاز ندارید، شما از مجلس اعلاا بزرگ‌تر هستید، این مجلس اعلااست که نیازمند شماست، آقای حکیم در پاسخ گفت: خیر. من این‌گونه فکر نمی‌کنم. من قصد دارم همه احزاب و گروه‌های عراقی را گرد هم آورم. اما، به هر حال برخی گروه‌ها نسبت به عملکرد مجلس اعلاا ملاحظاتی داشتند و از همکاری با آن خودداری نمودند. به رغم مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها، بسیاری از نمایندگان واقعی مردم عراق و گروه‌های سیاسی از جمله نمایندگان عشایر عراق در مجلس اعلاا حضور داشتند.

### ویژگی‌های آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر حکیم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در حقیقت آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر حکیم چند ویژگی داشت. یکی اینکه عالم و آگاه به مسائل سیاسی روز بود، دوم آنکه فرزند مرجع عالیقدر جهان تشیع آیت‌الله‌العظمی سیدمحمسن حکیم بود. سوم اینکه مرد عمل و جهاد بود. او فقیهی اصولگرا و مفسر قرآن و مدرس علوم اسلامی بود. مسائل سیاسی را شناخته و خوب تحلیل می‌کرد. افزون بر آنچه گفته شد، آیت‌الله حکیم نهادینه عمل می‌کرد، او همواره با تأسیس مراکز فرهنگی و خدماتی گام برمی‌داشت، علاوه بر مجلس اعلاای انقلاب اسلامی عراق، مؤسسه شهید صدر برای خدمات اجتماعی را تأسیس کرد. برای تشدید مبارزه بر ضد رژیم صدام، تشکیلات نظامی سپاه بدر را به وجود آورد. نیروهای این سازمان در مناطق مرزی ایران و عراق و در مناطق آزاد شده داخل عراق مستقر بودند. افزون بر آن دفتر دفاع از حقوق بشر را تأسیس کرد. او ضمن اینکه به درجه اجتهاد نایل شده بود و آیت‌الله‌العظمی شیخ مرتضی آل‌یاسین برای او مجوز اجتهاد صادر کرده بود، اما، در عین حال الگوی مجاهدان فی سبیل الله بود. هنگامی که رژیم پیشین عراق تعدادی از برادران شهید آیت‌الله حکیم و تعدادی از فرزندان خاندان حکیم را اعدام کرد، یکی از بستگان او را به تهران گسیل داشت تا پیام رژیم عراق را به آقای حکیم ابلاغ کند، که اگر مبارزه را متوقف نکنند، تعداد بیشتری از بستگان او را اعدام خواهد کرد، آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم در پی دریافت این پیام با صلابت و مردانگی اعلام کرد که مبارزه را تا سرنگونی رژیم صدام متوقف نخواهد کرد. در پی این موضع‌گیری، رژیم پیشین عراق، سیدعلاء حکیم و سیدمحمدحسین حکیم و تعداد دیگری از بستگان خاندان حکیم را اعدام کرد، در پی اعدام دسته دیگری از خاندان حکیم در زندان‌های عراق، آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم بی‌درنگ پشت تریبون نماز جمعه تهران رفت، و شعار «هیئات منالذله» را سر داد، و تأکید کرد که راه جهاد بر ضد رژیم حزب بعث را تا سرنگونی صدام ادامه خواهد داد. او گفت که اعدام فرزندان خاندان حکیم خللی در ادامه راه او به وجود نخواهد آورد، او همچون امام سجاده (ع) بود که در مجلس عبیدالله ابن زیاد در کوفه به او گفت که آیا نمیدانی که شهادت در راه خدا، خلق و خوی